



در سوگ دلدار

دلدار رسول‌زاده، موسیقی‌دان مقامی خراسان درگذشت



دلدار رسول‌زاده نوازنده دوتار و خواننده تربت جامی روز گذشته درگذشت. او متولد سال ۱۳۲۷ و از اهالی روستای پیروخش صالح آباد تربت جام بود. شغل اصلی او کشاورزی بود و به همین دلیل کمتر در مجامع شهری به ارائه هنر می پرداخت. این هنرمند مدتی نیز ساکن مشهد بود و در این دوران از فعالان مسجد جامع النبی شهرک شهید باهنر محسوب می شد. حسینعلی مردان‌شاهی پژوهشگر موسیقی درباره فعالیت‌های دلدار رسول‌زاده به‌شهرآرا گفت: رسول‌زاده از بچگی عاشق دوتار بود و مثل خیلی‌های دیگر در آن زمان باحلب برای خودش دوتار ساخته بود. او در دهه‌های گذشته که به مشهد آمد با استاد ذولفقار عسکریان و دیگر هنرمندان نامداری که در مشهد ساکن بودند آشنا شد. در واقع می‌توان گفت فعالیت‌های هنری رسول‌زاده با آمدنش به مشهد شکل گرفت. به گفته او، دلدار رسول‌زاده از موسسان گروه موسیقی ساریکا (هنرمندان سرخس در مشهد) بود و با این گروه در چندین جشنواره حضور داشت و در صدا و سیما هم موسیقی اجرا کرد. مردان‌شاهی یادآور شد: از ویژگی خاص و بارز این استاد موسیقی مهمان‌نوازی‌اش بود؛ این هنرمند مشوق جوانان و به نوعی مروج هنری خیلی خوبی به شمار می‌آمد.

به گفته این پژوهشگر دلدار رسول‌زاده بدون هیچ عارضه قلبی روز گذشته در زمین کشاورزی خود در روستای پیروخش ایست قلبی کرده و از دنیا رفته‌است.

روایت بی عدالتی و تبعیض در غرب

نویسنده «عبور از خط قرمز» درباره مشکلات زندگی در انگلیس می‌گوید

شکیبا اخمچی‌راد

«عبور از خط قرمز» نام کتابی است که به تازگی از سوی نشر ثالث منتشر شده‌است. این کتاب روایتی از زندگی دکتر علی دیزایی یکی از افسران ارشد و فرماندهان پلیس لندن و حقوقدان ایرانی به قلم خودش است. او در این اثر شرح سال‌های طولانی خدمتش در پلیس لندن و همچنین اتفاقات زندگی شخصی‌اش را روایت کرده و درباره تبعیض‌ها و پاپوش‌هایی که برای او ایجاد شده به زبان ساده صحبت کرده‌است. نشر ثالث به بهانه انتشار این کتاب روز جمعه گفت‌وگویی آنلاین با علی دیزایی ترتیب داده‌بود که در ادامه بخشی از این صحبت‌ها را می‌خوانید.

- اتهاماتی برای برکناری

دیزایی در ابتدای صحبت‌هایش با بیان اینکه پدرش در سن شش سالگی او را برای تحصیل به مدرسه شبانه‌روزی در لندن فرستاده گفت: برای یک بچه شش ساله که نیاز به محبت پدر و مادرش دارد قطعاً این جدایی سخت بود اما من نتوانستم خودم را با اجتماع تطبیق دهم. همچنین فکر می‌کنم سختی‌های دوران کودکی‌ام تأثیر به‌سزایی در موفقیت‌هایم داشت.

او درباره بحث تبعیضی در انگلیس که در کتابش نیز به آن اشاره کرده‌است یادآور شد: آن زمان که من به انگلیس آمدم، تبعیض موضوع واضحی بود و در واقع من از همان سن پایین یاد گرفتم در این کشور مهمان هستم.

نویسنده کتاب «عبور از خط قرمز» درباره موفقیت‌هایش در لندن نیز این‌گونه صحبت کرد: من هیچ‌وقت امیدم را از دست ندادم. حتی وقتی در رستوران پیتزا درست می‌کردم به اینکه می‌خواهم درس و کالت بخوانم و با تحصیلات بالا پلیس شوم فکر می‌کردم.

دیزایی با تأکید بر اینکه همیشه دوست داشته به در جات بالا برسد گفت: وقتی آدم به مقام‌های بالا برسد می‌تواند تصمیمات بزرگ بگیرد که جامعه را عوض کند. برای همین می‌دانستم باید با تحصیلات بالا وارد پلیس لندن شوم.

او درباره پاپوش‌هایی که در زمان خدمتش در پلیس برایش ایجاد شده‌بود و در کتاب نیز آن‌ها را روایت کرده‌است توضیح داد: سیستم امنیتی، پلیس و ارتش انگلیس نمی‌توانند افراد خارجی را بپذیرند چون دوست ندارند کسانی مثل من به خط قرمزها دسترسی نداشته باشند. از این‌رو وقتی من به درجه‌های بالا رسیدم، کارهای مختلفی کردند تا من را از سیستم پلیس بیرون کنند. به طوری که حتی یکبار حدود ۱۰ میلیون دلار خرج کردند تا از کار برکنار شوم اما در نهایت در دادگاه رسوا شدند.

این نویسنده با تأکید بر موضوع نژادپرستی در غرب خاطر نشان کرد: زمانی که من رساله دکتری‌ام را درباره نژادپرستی می‌نوشتم همه گفتند افرای می‌کنم اما الان ثابت شده که این معضل مثل سرطان در سیستم غربی وجود دارد.

- بحران همه جای دنیا وجود دارد

دیزایی که این روزها شرکت خصوصی خود را تأسیس کرده‌است یاد آور شد: خواست خدا بود که من از آن سختی‌ها عبور کنم و با استفاده از تجربه سال‌ها در سیستم پلیس بودنم، بتوانم شرکتی راه‌اندازی کنم که بتواند به مردم دنیا کمک کند و حق آن‌ها را بگیرد. الان خیلی از پلیس‌هایی که آن زمان ضد من بودند در خواست می‌دهند تا برای شرکت ما کار کنند. او با بیان اینکه شرایط بحرانی در همه جای دنیا وجود دارد گفت: عده‌ای فکر می‌کنند، کسی که در انگلیس زندگی می‌کند، زندگی بدون بحرانی دارد. اما این واقعا سراب است. سختی همه جای دنیا وجود دارد.

به نظر دیزایی هر کسی در هر کجای دنیا برای رسیدن به موفقیت باید در ابتدا فکر کند از زندگی چه می‌خواهد. همچنین امید داشته باشد و برای رسیدن به هدفش تلاش کند. این نویسنده با اشاره به اینکه عده‌ای باور نمی‌کنند این اتفاقات و تبعیض‌ها در لندن رخ دهد گفت: این اتفاقات و تبعیض بی‌عدالتی همه‌جا هست. حتی به نظر من در غرب و انگلیس بیشتر از جاهای دیگر است. کتاب «عبور از خط قرمز» در ۳۶۰ صفحه با قیمت ۶۸ هزار تومان توسط نشر ثالث عرضه شده‌است.

ترانه‌سرایی

امروز دستگاه

فکری ندار

اسماعیل امینی شاعر، نویسنده و پژوهشگر که در حوزه ترانه و تصنیف نیز آثار فراوانی نوشته در گفت‌وگو با خبرگزاری هنر ایران درباره وضعیت این روزهای ترانه‌ها در موسیقی ایران نکاتی را بیان کرد. او با اشاره به اینکه ترانه دو شاخه متمایز دارد گفت: یکی از شاخه‌های ترانه برای سرگرمی است. البته این شاخه هم جدی است و نمی‌توانیم بگوییم بیهوده است. به هر حال سرگرمی هم جزو نیازهای انسان است. شاخه دیگر هم کارکرد اجتماعی، اندیشه و گاهی اعتراضی دارد.به گفته امینی امروزه شاید بیش از

۹۵ درصد ترانه‌ها درباره مناسبات عاطفی میان انسان‌هاست. لزوما همه آن‌ها عاشقانه نیستند و اتفاقاً بعضی از آن‌ها از سر نفرت و خشم است. این شاعر خاطر نشان کرد: بیشتر ترانه‌سراها به موضوعات خلاقانه نگاه نمی‌کنند. یک تعداد کلمات محدود و یک تعداد ترکیبات لو رفته دارند و با آن می‌خواهند مناسبات پیچیده انسان امروز را بیان کنند. مناسبات فردی

سی سال سفر در جغرافیای شاهنامه

گفت‌وگو با مهدی سیدی فرخ‌ پژوهشگر خراسانی، درباره جدیدترین اثرش «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» که برای نگارش آن به شهرهای زیادی سفر کرده‌است



لیلا کوچک‌زاده- شیرین سیدی

سفری در بستر جغرافیای تاریخی شاهنامه از چین تا مصر و روم. از آغاز پادشاهی کیومرث پیشنهادی تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم ساسانی. کشورهای گستره شاهنامه که در داخل مرزهای تمدن ایران کهن قرار گرفته‌اند و فردوسی بزرگ، نشانه‌های آن‌ها را آورده است. به همراه نام ۶۲۰ مکان در این کشورها در کتاب «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» هم جمع‌آوری شده و داستان مرتبط با آن در شاهنامه، تکمیلش کرده است. تاکنون درباره لغات و نام‌آوران شاهنامه، کارهای بسیاری انجام شده است اما درباره جغرافیای تاریخی شاهنامه کاری جدی انجام نشده بود. کار دشواری که به گفته او برای رسیدن به هر مکان، باید ۱۰۰ کیلومتر سفر کرد.

این فرهنگ را به‌تازگی، انتشارات نی در ۶۳۲ صفحه و در ۱۱۰۰ نسخه منتشر کرده است. این شاهنامه‌پژوه می‌گوید: در خراسان و ادبیات ایران به دو نفر دبلیست‌ام و بیشترین پژوهش را درباره آن‌ها انجام داده‌ام. فردوسی و بیهقی. دو ادیبی که اوج کارشان در دهه ششم عمرشان بوده است. در ادامه صحبت‌های مهدی سیدی را درباره «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه» (کتابی که نگاشتن و جمع‌آوری آن ۳۰ سال زمان برده است) می‌خوانید.

- مرجع‌ی برای شاهنامه خوانان
شاهنامه فرخ‌دی می‌گوید: «تاریخ فرهنگی ایران زمین همیشه مورد علاقه من بوده و می‌خواستم جغرافیای ایران را بشناسم و آن را در قالب پژوهشی معرفی کنم.» پژوهشی که به مکان‌های جغرافیای شاهنامه گره می‌خورد و به گفته نویسنده «فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه»، مرجعی است برای تمام علاقه‌مندان به حوزه‌های

و اجتماعی انسان امروز پیچیده و متنوع شده است. ما از این همه وقایع که در اطرافمان وجود دارد فقط به یک نوع آن‌ها می‌پردازیم که در بین جوان‌های پانزده تا بیست‌وپنج ساله رایج است. بنابراین اگر می‌گوییم در ترانه امروز فقدان اندیشه وجود دارد به این معنی نیست که می‌خواهیم اندیشه‌های فلسفی حکمت و عرفان را ابلاغ کنیم. به نظر او امروزه ترانه‌سرایی



تمدن ایران که می‌خواهند بدانند و وسعت واقعی ایران چقدر بوده است. چه سرزمین‌هایی در آن بوده و چه نام داشته‌اند. بی‌گمان هر مکانی که در شاهنامه از آن در قلمرو ایران نام برده شده، جزو حوزه تمدنی ایران است. سیدی فرخ‌ده که از ۳۰ سال پیش، نگاشتن چنین فرهنگی را در سر می‌پورانده، می‌گوید: این کتاب برای شاهنامه‌خوانان و دانشگاهیان نیز لازم است و احتمالاً دوست دارند

درباره مکان‌های تاریخی داستان‌های شاهنامه بدانند و مکان فعلی‌اش را شناسایی کنند.

ایرانی از شرق آسیا تا شرق اروپا و شمال آفریقا که ۲۳ کشور فعلی جهان در مرزهای آن قرار گرفته بودند. قرقیزستان، کمی از قزاقستان، تمام ازبکستان، تاجیکستان ترکمنستان، افغانستان، پاکستان بخشی از هندوستان، ایران، آذربایجان، گرجستان، روم، عراق، عربستان، لبنان و ...

او در این فرهنگ، ۳۶۰ مکان در این کشورها شامل نام شهرها، رودها، دژ، قلعه، دریا، رود، کوه، بیابان، تل، تپه، را شناسایی کرده و در فرهنگش آورده است. نام‌هایی که در طول زمان دستخوش تغییر شده‌است. این شاهنامه‌پژوه در این باره می‌گوید: در طول سال‌ها اقوام مختلف به حوزه فرهنگی ایران بزرگ آمده‌اند و متناسب با فرهنگ و زبان خود نام‌ها را تغییر داده و نام جدید گذاشته‌اند. مثلاً ما چهار طالقان در سه کشور ایران و افغانستان و ترکمنستان داریم. یک طالقان در اصفهان، یکی در تهران و یکی هم بین مرورود و بلخ و یکی هم در افغانستان. اما این نام‌های مشترک، برآمده از یک فرهنگ و تمدن است.

- شیوه تدوین کتاب

به گفته این پژوهشگر جغرافیای تاریخی، در کتاب ۶۲۰ اسم مکان آمده است که ۳۶۰ مکان آن اصلی و بقیه فرعی است. این ۳۶۰ نام را روی نقشه هم آورده است که اسم‌های قدیمی با قرمز و اسم‌های جدید با سیاه نوشته شده است. مثلاً نام اصفهان هم به شکل اصفهان، هم سپاهان و اسپهان در شاهنامه آمده است. اما سیدی فرخ‌آن را یک اسم واقعی حساب کرده است. او درباره شیوه تدوین کتابش هم می‌گوید:

یک دستگاه فکری ندارد بنابراین ترانه‌سراها با همدیگر فرقی نمی‌کنند. نوع آرایه‌ها و شگردهایی که به کار می‌برند شبیه همدیگر است. امینی که عضو شورای شعر وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی است درباره فعالیت این شورا نیز توضیحاتی داد: شورای شعر وزارت ارشاد فقط از موارد غیرقانونی جلوگیری می‌کند. مثلاً یک نفر ممکن است ترانه دیگری را سرقت کرده باشد و یا به اشخاص، اقوام و ... اهانت کرده باشد که در این موارد شورای شعر پی‌گیری می‌کند. این‌که وزن یک ترانه اشکال داشته باشد مربوط به ذوق آن ترانه‌سراست و قانون نمی‌تواند کاری کند.

ابتدا، تمام اعلام جغرافیای شاهنامه را بیرون کشیدم و به صورت الفبایی مرتب کردم. در ادامه برای هر اسم، آنچه درباره آن مکان جغرافیایی در شاهنامه آمده، نگاشته‌ام. به این هم توجه کردم که یک بار از این مکان صحبت شده یا چند بار. اولین بار این اسم، از کدام داستان وارد شده. آخرین بار از کدام داستان بوده است. بعد هم بررسی کردم که دیگران درباره آن مکان چه گفته‌اند.

در پایان هم مشخص کردم هم‌اکنون این مکان چه عنوانی دارد و در کجا واقع شده است. آیا اصلاً خبری از آن هست یا نه.

- پراکندگی مکان داستان‌ها در خراسان

نویسنده کتاب «سراپنده کاخ نظم بلند»، می‌گوید: ۶۰ تا ۷۰ شهر از آن ۶۰۰ مکان داستان‌های شاهنامه، در ایران فعلی است که در شهرهای خراسان پراکندگی آن‌ها بیشتر دیده می‌شو. شهرهایی مانند نیشابور، گناباد، سرخس، کلات، توس، کاشمر و ...» در توس خرده مکان‌هایی هست که چون فردوسی متعلق به این خطه بوده، از آن‌ها بیشتر صحبت کرده است. مثلاً از چشمه سبز توس گفته که یزدگرد در آن کشته می‌شود. از کشف‌رود می‌گوید و از جنگ سام با اژدها در کنار این رود. از قلعه‌های آل بقمج صحبت شده که روستاهای پادگان‌گونه بوده است. سیدی همچنین در نقد عده‌ای که شاهنامه را اسطوره می‌دانند و جغرافیای آن را خیالی در نظر می‌گیرند، می‌گوید: بله اسطوره، خیالات و افسانه است. ضحاک هزار سال عمر می‌کند.

مغز سر آدم‌ها را می‌خورد و در نهایت به بند کشیده می‌شود. اما ضحاک نماد خشک‌سالی در ایران است. به همین دلیل او را نمی‌کشند و در کوه بلندی که دماوند نام دارد، به بند می‌کشند. اینجا دماوند دیگر افسانه نیست. یک مکان واقعی است. در بخش اول شاهنامه که مربوط به پیشدادیان است ۲۴۰۰ سال طول می‌کشد، هیچ شهر و مکانی را نمی‌بینیم. چون کیومرث کوه‌نشین بوده است. تا زمانی که فریدون سر کار می‌آید و پایتختش را آمل انتخاب می‌کند. از اینجا به بعد مکان‌های جغرافیایی شاهنامه رخ می‌نماید که قابل تحقیق و شناسایی

سوگ کلمات راویان جوان

گروه هنری «ماهو» با جان بخشیدن به اشیا مرثیه‌های

بعد از واقعه عاشورا را خوانش می‌کنند

مخاطبشان به خوبی برمی‌آیند و آن‌ها را تا پایان ماجرا پای خوانش می‌نشانند. این روایت یک شب حضور ما در جمع هنری «ماهو» است که طرحی نو در انداخته‌اند.

- لحظه‌های اضطراب

اجازه ورود با ثبت یک شماره تلفن و ضد عفونی دست‌ها صادر می‌شود. گروه جوان تئاتر «ماهو» پس از چند سال کار و اجرای تئاترهای متفاوت مذهبی حالا تصمیم گرفته‌اند در دهه دوم محرم مخاطب را به شکل دیگری پای عزاداری حسینی بنشانند. ورود به صحن حیاط مجتمع دانشجویی امام رضا(ع) ما را با نمایی متفاوت از این فضا روبه‌رو می‌کند. دور تا دور آن دیوارهای پارچهای سیاه است. چپش صندلی‌ها با رعایت حریم اجتماعی ما را به میهمانی اضطراب می‌برد. ۷ خوانشگر

گروه فرهنگ

سوگ خوانی «اضطراب» حال و هوای حضرت زینب(س) را بعد از واقعه عاشورا به زبانی هنرمندانه و متفاوت برای مخاطب بیان می‌کند. سوگ خوانی نامی است که اعضای گروه هنری «ماهو» برای اجرای متفاوتشان و روی این سبک از اجرا گذاشته‌اند که مجریان آن می‌گویند برای نخستین بار در کشور اجرا شده است.

این برنامه ده شب متوالی در محوطه باز مجتمع دانشجویی امام رضا(ع) واقع در خیابان فدائیان اسلام به روی صحنه می‌رود. صدا و کلمات با ترکیبی از موسیقی آیینی تنها راویان صحنه‌اند که از پس ارتباط با



را می‌شکنند. روضه‌ای مصور در دلت غوغا می‌کند و برایت هیچ عجیب نیست که انگشتی رایت قصه روز واقعه را روایت کند. از پیراهنی قصه شهادت امام حسین (ع) را می‌شنوی و از خنجرى به شقاوت حاکم بر روح صاحبش پی می‌برى. اینجا راویان جوان چنان با صدا بسازی می‌کنند که باور می‌کنی سم اسبى به حرف آمده است و دارد برایت از واقعه می‌گوید.

شاید خاصیت هنر همین است که دست روی نقطه‌ای از احساست می‌گذارد که دسترسى به آن آسان نیست. این را از چشمان روم کرده مخاطبان و صدای گرفته‌شان بعد از اجرا می‌توان فهمید. خانم جوانی که

مشکى پوش رو به جمعیت بالای سن می‌نشینند و روایت اضطراب شروع می‌شود. سایه‌های بلند نور قرمز آمیخته با تاریکی و سیاهی محیط، زمین را مفروش کرده است. همراهی با اشیای بی‌جان کربلا که برای به ثمر رسیدن ایده و اجرایش این گروه هنری چند ماهی زمان گذاشته‌اند کار سختی نیست. کافی است دل به دل کلمات بدهی و دستشان را بگیرى.

صدا به تصویر بدل می‌شود و در تو جان می‌گیرد تا به دل ماجرا برسى. همانجا که بانوی صبر، برادر از دست داده، تک و تنها بر فراز تل ایستاده و مضطرب است. صدای گریه‌ای سکوت‌های ریز میان خوانش‌ها